

مبانی امر به معروف و نهی از منکر و مصادیق نظارت در این زمینه با توجه به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

محمدرضا کیا، کارشناسی ارشد حقوق عمومی،

Reza kia 139113911391@gmail.com

چکیده

امر به معروف و نهی از منکر در دسته مهم ترین تعالیم و احکام اسلامی قرار گرفته که متمرکز به سعادت شخص و سلامت جامعه اسلامی و مورد تاکید متون دینی و تایید عقل تدبیرگر بشری می باشد. احیا و اجرای فریضه حائز اهمیت اسلامی مذکور مد نظر بسیاری از تدوین کنندگان قانون اساسی ایران است به شکلی که اصل ۸ آن به این مسئله اختصاص پیدا کرده است که به نظارت مردم بر دولت - دولت بر مردم - مردم بر هم پرداخته و به نهاد امر به معروف و نهی از منکر تعبیر می گردد. اجرا و درک اشتباه و یا ناقص از آن موجب به وجود آمدن بی نظمی و از بین رفتن حرز و حریم خصوصی افراد و وارد شدن آسیب به حق و حقوق و آزادی های آنان می گردد. اهتمام پژوهش حاضر بررسی مبانی امر به معروف و نهی از منکر و مصادیق نظارت در این زمینه با توجه به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می باشد که به روش توصیفی - تحلیلی است. نتایج حاکی از آن است که مبانی امر به معروف و نهی از منکر شامل مبانی عقلی و نقلی می باشد و مصادیق نظارت در این خصوص شامل نظارت حکومت بر مردم، نظارت رهبری و نظارت بین قوای سه گانه است.

کلیدواژه ها: امر به معروف، نهی از منکر، نظارت، قانون اساسی.

مقدمه

انسان از گذشته تا به حال در راستای حفظ زندگی اجتماعی و ممانعت از زوال آن، مجموعه ای از قوانین را در نظر

می گیرد تا به این شکل از بی نظمی در جامعه ممانعت شود. جوامع بشری در مقابل هنجارشکنی های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی در جهت بقای خود بایستی از یک سری قوانین و مقررات برخوردار شود. زیرا که قوانین و ضوابط در جامعه بشری مانع تخلف از ارزش و اعتقادات اجتماعی خواهد شد. هر زمان اشخاص و یا گروه هایی بخواهند ارزش های زندگی اجتماعی را نادیده انگارند، قسمتی از قدرت جامعه به عنوان نیروهای امنیتی و انتظامی آنها از اعتقاد و ارزش های عمومی جامعه به دفاع می پردازد. مصادیق فوق الذکر اصول و مبانی نظارت اجتماعی را در بر می گیرد. لزوم نظارت مذکور در راستای حفظ موجودیت اجتماع، بخشی از تئوری جامعه شناسی تلقی می گردد.

۱- امر به معروف و نهی از منکر

در جهت مفهوم شناختی معروف و منکر یا همان امر معروف و نهی از منکر ابتدا بایستی معنا و مفهوم معروف و منکر را از نظر لغوی و بعد از نظر فقه و حقوق بررسی کرده تا در نتیجه تعریف درستی از امر معروف و نهی از منکر به دست آید.

معروف در لغت از ریشه عرف و عرفان به مفهوم شناخته شده شهرت پیدا کرده نامور می باشد (دهخدا، ۱۳۸۵: ۱۵۶). منکر از ریشه نکر و انکار به مفهوم ناشناخته، از یاد رفته، مجهول و ضد معروف آورده شده است (دهخدا، ۱۳۸۵: ۱۶۹۷۴). معرفت و عرفان، شناخت چیزی از روی اندیشه و تدبر توسط اثر آن بوده و انکار مخالف و عرفان و شناخت می باشد و ریشه آن به قلب باز می گردد که چیزی را قبول نکرده و دلیل این عدم پذیرفتن، جهل و نادانی به شمار می آید. ((المعروف اسم لكل فعل يعرف بالعقل او الشرع حسنه و المنکر ما ینکر بهما)) (طریحی، ۱۴۱۶: ۶۷۵). هر عملی که خوبی آن توسط دین و یا عقل مورد شناسایی واقع شود، به نام "معروف" است و آنچه که توسط عقل و یا شرع مورد انکار قرار بگیرد، به آن "منکر" می گویند.

هر عملی را که عقل (البته عقل سالم) به زشتی و قبح آن حکم صادر کند منکر گویند و یا چنانچه عقل آگاه نشود که آن عمل خوب، خیر و یا زشت بوده اما شریعت به بدی و قبح آن حکم صادر کند، منکر می باشد (اصفهانی، ۱۴۲۸: ۴۶۶). با در نظر گرفتن ریشه لغوی معروف و منکر، چیزی که عقل و فطرت پاک آن را به نیکی شناخته، معروف بوده و چیزی که عقل و فطرت پاک آن را به نیکی نشناسد، منکر نام می گیرد (نوری همدانی، ۱۳۹۷: ۸۸). بنابراین امور نیک امور شناخته شده یا معروف و امور ناپسند، امور ناشناخته شده و یا منکر، معرفی گردیدند چرا که فطرت پاک بشر آشنا با بخش نخست و ناآشنا با بخش دوم می باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴: ۳۸).

در تعریف های فقهی، فقیهان، در راستای بررسی معروف و منکر تعریف هایی را مطرح نمودند. بعضی در تعریف خود محدوده شمول معروف و منکر را فقط دربرگیرنده محرمات و واجبات دانسته و عده ای مکروهات و مستحبات و

مباحثات را هم داخل در تعریف می دانند. معروف هر عمل پسندیده ای به شمار می آید که رجحان زائد بر جواز خود داشته و فاعل آن به نیکی آن عمل آگاه و مطلع بوده و یا به آن راهنمایی شده و منکر، هر عمل قبیح و زشتی بوده که فاعل آن زشتی و قباحتش را مورد شناسایی قرار داده یا به آن ارشاد و راهنمایی شده است (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۳۴۴).

فقیهانی نظیر صاحب جواهر و شهید ثانی، این تعریف را اساس و مبنا در نظر گرفتند. صاحب جواهر در توضیح تعریف مذکور فرمود: مراد و منظور از فعل نیکو فعل جایز به معنای الاعم بوده و در برگیرنده ی کلیه ی افعال به غیر از حرام است و آنکه اختصاص به وصفی زائل بر جوازش داشته همانند فصل همین تعریف بوده که مباح و مکروه را خارج می گرداند. به دلیل آنکه مباح وصفی زائد بر جواز ندارد و به این دلیل که مراد از وصف زائد بر جواز، مجروحیت و رجحان در فعل می باشد.

به همین علت مکروه هم خارج می شود و معروف فقط اختصاص به واجب و مستحب خواهد داشت. منکر به غیر از عمل زشت حرام نیست چرا که در مباح و مکروه، امر و نهی انجام نشده است؛ پس این دو معروف و منکر نیستند (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۷۰). شهید ثانی هم معروف را فعل واجب و مستحب و منکر را فعل حرام دانسته ولیکن در این بین به نکته خاص اشاره داشته است که عبارت می باشد از:

هرچند مکروه جزو معروف و منکر نمی باشد ولیکن به نوعی می توان آن را در تقسیمات نهی قرار داد. به شکلی که نهی از عمل مکروه نظیر امر به عمل مستحبی، مستحب به شمار می آید و عمل مکروه را به اعتبار استحباب ترکش می توان داخل در فعل مستحبی کرد. در نتیجه معروف را به واجب و مستحب طبقه بندی می کند که امر به واجب، واجب و امر به مندوب، مندوب به شمار می آید و منکر تقسیم نمی گردد؛ پس نهی از آن در مجموع واجب تلقی می گردد (عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۳: ۹۹).

آنچه مورد تایید شریعت واقع شود "معروف" و آنچه از جانب شریعت رد شود "منکر" نام می گیرد (صدر، ۱۴۳۰: ۴۳۳). تعریف فوق دربرگیرنده مباحثات می گردد؛ چرا که مباحثات تایید کلی از جانب شریعت را داشته است. عده ای از فقیهان مضاف بر واجبات و محرمات و مستحبات، مکروهات هم در معنای معروف و منکر اضافه نمودند (فاضل مقداد، ۱۳۶۸: ۵۷). موسوی خمینی فرمود هر کدام از امر به معروف و نهی از منکر دو قسم هستند: واجب و مستحب. هر عملی که از نظر عقل و یا از دیدگاه شرع، واجب باشد امر به آن واجب می گردد و هر کاری که از نظر عقل زشت و ناپسند و یا از دیدگاه شرع، حرام باشد نهی مردم از ارتکاب آن، واجب به شمار می آید و هر چیزی که انجام آن مطلوب و مستحب باشد امر به آن، مستحب بوده و هر امری که انجام دادن آن مکروه باشد، امر به آن، مکروه تلقی

می گردد (موسوی خمینی، ۱۴۲۵: ۴۵۵).

از این رو با در نظر گرفتن تعریف هایی که بیان شد، تفاسیر گوناگونی از معروف و منکر وجود دارد. عده ای از فقیهان به شکل موسع و جمعی به شکل مضیق آن را ذکر کردند. در خصوص قوانین، رهبر معظم انقلاب فرمود: مخالفت با قوانین و فرامین اسلامی که به شکل مستقیم به واسطه مجلس شورای اسلامی در نظر گرفته و وضع گردیده و مورد تایید شورای نگهبان واقع شده اند و یا با استناد به اجازه قانونی نهادهای مربوطه، وضع شده اند برای هیچ احدی جایز نبوده و در صورت محقق شدن مخالفت به واسطه شخصی در این رابطه، بر سایرین تذکر، راهنمایی و نهی از منکر ضرورت پیدا می کند البته با وجود شرایط نهی از منکر. بدین صورت عمل به فرامین قانون واجب به شمار می آید (خامنه ای، ۱۴۲۰: ۸۸).

اوامر و نواهی مقنن، معروف و منکر هستند. در قانون و مقررات اصل ۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به امر به معروف و نهی از منکر اشاره می نماید و بیان داشته است که: در ایران دعوت به خیر امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای بوده از نوع همگانی و متقابل بر عهده ی عموم مردم نسبت به همدیگر - دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت.

البته شرایط، حدود و کیفیت آن را قانون مشخص می سازد. در همین اصل تعریفی از امر به معروف و نهی از منکر نیامده و در دیگر قانون و مقررات عادی هم تعریفی از این فریضه حائز اهمیت دینی مطرح نشده است تا آنکه در سال ۹۴ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر تصویب شد. در ماده ۱ همین قانون آورده شده است که در قانون مذکور معروف و منکر عبارت می باشد از هر نوع فعل و قول و یا ترک آن و قولی که تحت عنوان احکام اولی یا ثانوی در شرع یا قانون و مقررات مورد امر واقع شده یا ممنوع گردیده باشد (خطیبی کوشکی، ۱۳۹۸: ۵).

تبصره - در احکام حکومتی دیدگاه ولی فقیه معیار عمل است.

ماده ی ۲- امر به معروف و نهی از منکر دعوت و واداشتن سایرین به معروف و نهی و بازداشتن از منکر می باشد.

ماده ی ۱- معروف و منکر را به شکل مبهم و کلی تعریف کرده و با در نظر گرفتن اختلاف فقهی در این خصوص تکلیف مستحبات و مکروهات را به صورت معین و مشخص شده بیان ننموده است.

بدین ترتیب با در نظر گرفتن ماده ۱ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر و دیدگاه امام رحمت الله علیه معروف مضاف بر قانون و مقررات دربرگیرنده واجبات و مستحبات و منکر مضاف بر مصادیق ممنوع گردیده به واسطه قانون دربرگیرنده محرمات و مکروهات می باشد. ولیکن امر به معروف و نهی از منکر واجب، فقط به واجبات و محرمات

و اوامر و نواهی اجباری به واسطه قانون می‌گردد. معروف و منکر در دیگر مصادیق، به صورت مستحب و اختیاری می‌باشد (جوان آراسته، ۱۴۰۰: ۸۸).

نکته دیگری که بایستی آن را متذکر گردید آنکه در مصادیقی عمل شخص در حیطه عمل حرام و یا مکروه قرار نگرفته و از نظر عرف جامعه ناپسند به شمار می‌آید. اعمال مذکور با در نظر گرفتن تعریف منکر از دایره منکرات بیرون آمده و تکلیفی از نظر وجوب نهی بر اشخاص موجود نیست و از طرفی استحبابی در آن متصور نمی‌باشد. مگر اینکه عمل مزبور واجد آثاری باشد که آن آثار حرام باشد که در چنین شرایطی، در برگیرنده نهی از منکر واجب و یا مستحب واقع می‌شود.

با در نظر گرفتن مطالبی که عنوان گردید سوالی که مطرح بوده آنکه آیا در نهی از منکر از یک عمل مکروه، کلیه قواعد مرتبط با نهی از منکر از یک عمل حرام جاری می‌باشد؟ با در نظر گرفتن اطلاق موجود در آیات و روایات و ذکر فقیهان این چنین به نظر می‌آید که قواعد به صورت برابر و یکسان به شمار می‌آید (بهشتی، ۱۳۹۹: ۶۷). ولیکن در خصوص آنکه نهی از منکر مستحب در برگیرنده قانون حمایت از آمران به معروف است و یا ناهیان از منکر است و یا خیر و آنکه آیا این چنین ناهی از منکری تحت حمایت مقنن است ابهامی وجود دارد که می‌بایست محرز گردد.

۲- مبانی امر به معروف و نهی از منکر

در این بخش به بررسی مبانی عقلی و مبانی نقلی پرداخته می‌شود.

۲-۱ مبانی عقلی

در طول ۱۰ سده‌ی اخیر مداوم و پیوسته این پرسش به ذهن متبادر می‌گردد که آیا می‌توان امر به معروف و نهی از منکر را به مبانی استوار عقلی مستند نمود به نحوی که با چشم پوشی از کلیه ادله‌ای که به واسطه وحی در کتاب و سنت آورده شده، قابل اثبات باشد؟ حلبی و صاحب جواهر اثبات عقلانی آن اظهار عجز و ناتوانی نمودند (حلبی، ۱۴۰۳: ۲۶۷).

در مقابل آنها شیخ طوسی و امام خمینی و شهید اول در تلاش هستند تا با جستجوهای عقلی، ضرورت آن را به اثبات رسانند (موسوی خمینی، ۱۴۱۵: ۲۴۵). مرسوم‌ترین استدلال عقلی بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر که در طول سده‌های گوناگون در فقه و کلام دارای سابقه است، استفاده از قاعده لطف می‌باشد. قاعده لطف عبارت می‌باشد از این که: پروردگار بشر را به حال خود وا نگذاشته است بلکه آنچه را که سبب تقرب انسان به خداوند و آنچه که

سبب دوری او از پروردگار می گردد از راه و مسیر عقل و نقل به انسان ابلاغ می نماید (نوری همدانی، ۱۳۷۷: ۷۸). بنابراین متکلمان، بیان می دارند که انسان تحت عنوان یک موجود مختار و آزاد واجد یک سری تکالیف و وظایفی می باشد و ایشان قادر است در مسیر اطاعت و یا معصیت در حرکت باشد.

در صورتی که به علت اینکه غرض از آفرینش انسان سعادت و نیکبختی ایشان می باشد پس پروردگار متعال به مقتضای حکمتش، بستر و زمینه های آن را مهیا می نماید به عنوان نمونه انبیا را مبعوث و اسباب هدایت بشر را در اختیار آنها قرار داده است (محقق حلی، ۱۴۰۷: ۳۲۲). فقیهان و علمایی که باور به وجوب عقلی فریضه امر و نهی دارند بیان می دارند که: عقل بر مبنای قاعده لطف در این خصوص استقلال داشته و حکم می نماید بر آنکه امر به نیکی ها و نهی از زشتی ها واجب و لازم می باشد.

بنابراین وجوب امر به معروف و نهی از منکر به صورت عقلی می باشد. به این معنا که پروردگار از روی قاعده لطف در وجود بشر نیرویی تحت عنوان عقل قرار داده که همان عقل حکم می نماید که بشر بایستی همدیگر را به انجام نیکی ها و دوری از زشتی ها ملزم کند (نوری همدانی، ۱۳۷۷: ۹۸). طوسی که در اکثر بحث های کلامی از قاعده مذکور استفاده می نماید در باب این دو فریضه وجوب عقلی به استناد آن را نفی نموده و بیان می دارد: ((و الا لزم خلاف الواقع او الاخلال بحکمته تعالی)) (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۲۲).

هلی در توضیح مطلب مذکور بیان داشت که: وجوب عقلی امر به معروف و نهی از منکر نیازمند یکی از این دو تالی فاسد می باشد:

- خلاف واقع

- اخلال به حکمت الهی

با این توضیح که بر اساس وجوب عقلی قهرا امر به معروف و نهی از منکر برای پروردگار هم است؛ چرا که در واجبات عقلی تفاوتی بین افرادی که آن تکلیف می تواند متوجه آنها باشد وجود نداشته و از طرفی چنانچه پروردگار بشر را به معروف ملزم نموده باشد، بالضرورة معروف ها محقق گردیده و با بازداشتن از منکرات، بالضرورة منکرات منتفی خواهد گردید.

در صورتی که آشکار است که این چنین اتفاقی به وقوع نمی پیوندد و چنانچه پروردگار امر به معروف نکرده و از منکرات نهی ننموده باشد بایستی مستلزم به آن گردید که پروردگار خلاف حکمت الهی به واجب و مصلحت عمل ننموده که در حق ایشان این چنین موضوعی محال می باشد (محقق حلی، ۱۴۰۷: ۴۲۳). این ایراد متوجه چنین

نکته‌ای بوده که لازمه وجوب عقلی امر به معروف و نهی از منکر اشتراک این تکلیف میان بشر و پروردگار است.

در صورتی که این فریضه از جانب پروردگار قرین موفقیت است و تاثیر لازم و ضروری را دارد. چرا که حق تعالی با محدودیت‌های بشری در انجام دادن تکلیف فوق روبرو نبوده و امر به تحقق پیدا کردن معروف و نهی او به ترک منکر خواهد انجامید و در چنین شرایطی تمامی افراد به صلاح روی آورده و از منکرات دوری می‌نمایند و در نهایت جایی برای اراده و اختیار و آزادی انسان باقی نمی‌ماند و الجا و اضطراب بر زندگی او حکمفرما می‌گردد (جمشیدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۴۷). علت مذکور مردود بوده به دلیل آنکه واجب شرعی همان طور که در قیاس با اشخاص متعدد و شرایط گوناگون چند نوع است، واجب عقلی هم نسبت به اشخاص و شرایط متعدد چندین نوع می‌باشد.

از این رو معنای واجب بودن این دو فریضه بر پروردگار این نبوده که خدای عزوجل بشر را ملزم به انجام اموری نیک و ترک اموری ناپسند کند به دلیل آنکه اجبار نمودن خداوند با تکلیف و مسئولیت بشر دارای منافات است بلکه آنچه بر پروردگار واجب بوده همان ارشاد و راهنمایی و هشدار می‌باشد که آن را به واسطه پیامبرها و اوصیا و عقل بشر به انجام رسانده است (قرشی، ۱۴۱۲: ۲۸۷).

در نهایت قول به آنکه این دو فریضه واجب عقلی بوده، قوی‌تر به نظر می‌آید. بدین ترتیب بر مبنای قاعده لطف، امر و نهی واجب عقلی می‌باشد لیکن حدود و مراتب و مراحل آن از جانب شرع به اثبات می‌رسد چرا که کاملاً آشکار می‌باشد که عقل به آن ویژگی‌ها، ورود پیدا نمی‌کند (نوری همدانی، ۱۳۷۷: ۱۱۸).

فتوای امام رحمت الله علیه هم چنین بوده که این دو فریضه، دارای وجوب عقلی و شرعی است. بر اساس وجوب عقلی امر به معروف و نهی از منکر این سوال به وجود می‌آید که عقل بر مبنای چه اصول و مبنای به ضرورت این دو فریضه، حکم صادر می‌نماید؟ در جواب سوال مذکور به بعضی از اصلی‌ترین مبناهایی که عقل بر مبنای آنها به داوری در این خصوص می‌پردازد، خواهیم پرداخت.

۱-۱-۲ حفظ نظام اجتماعی

بشر موجودی از نوع اجتماعی می‌باشد. آن چیزی که قوام جامعه بشری یا انسانی را تامین می‌سازد و جامعه را زنده و پویا نگه می‌دارد، رعایت کامل ضوابط و قوانین و باید و نبایدها است (بهشتی، ۱۳۹۹: ۶۶). بنابراین بی‌اعتنایی به قانون و ارزش‌ها موجب اختلال نظام و از هم گسیختگی اجتماع می‌شود و مشکلات بسیار زیادی را برای شخص و جامعه همراه دارد.

بدین ترتیب عقل حکم می‌نماید در راستای صیانت از کیان جامعه اسلامی کلیه مردم در وهله نخست، خود عامل به

معروف‌ها و دوری کننده از منکرات واقع شوند و در وهله دوم سایر افراد را هم به انجام معروف و خوبی‌ها ملزم نموده و از ارتکاب بدی‌ها و زشتی‌ها باز بدارند (خطیبی کوشکی، ۱۴۰۰: ۱۷۸). بدین صورت امر و نهی مقدمه پاره‌ای از تکالیف عقلی به شمار می‌آید.

باید بیان داشت که بر اساس حکم عقل، لازم و واجب است. به این معنا که یکی از احکامی که عقل آن را درک می‌نماید وجوب حفظ نظام می‌باشد. خرد کلیه انسان‌ها در می‌یابد که نظم زندگی انسان بایستی به صورت پایدار و لازم بوده که در مقابل عوامل تهدید کننده حفظ شود. بنابراین عقل به ضرورت تدارک کلیه اموری که در حفظ نظام نقش دارند حکم می‌نماید.

به عنوان نمونه، قضاوت را تحت عنوان یکی از علل و عوامل حفظ نظام واجب در نظر می‌گیرد به دلیل آنکه فقدان نهادی که به اختلافات و دعاوی رسیدگی نماید به اختلال نظام خواهد انجامید. لذا وظیفه همگان بوده که از آن ممانعت شود (کی نیا، ۱۳۹۲: ۸۹).

از دیگر عوامل مزبور، امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد که در پایداری زندگی اجتماعی و آسیب ناپذیری آن، تاثیرات بسیار زیادی بر جای گذاشته است. بنابراین تحت عنوان مقدمه یک واجب عقلی واجب بوده است. با در نظر گرفتن اهمیت درجه نخست امنیت، لازم و ضروری بوده تا در راستای تامین آن و مبارزه با افرادی که با ایجاد هرج و مرج در تلاش به جهت تحصیل امکانات بیشتر برای خود و سلب آسایش یر افراد می‌شوند چاره‌ای در نظر گرفته و آن را عملی نمود (رضایی راد، ۱۳۹۸: ۳۸). یکی از این طرق، وجود اشخاصی آگاه و توانا بوده که امر به معروف کرده و مردم را تشویق و ترغیب نمایند که به حق خود قانع باشند و از تجاوز به حق و حقوق سایرین دوری کنند.

۲-۱-۲ جلوگیری از معصیت

یکی از وجوهی که عقلی بودن این دو فریضه را ثابت می‌کند آنکه عقل همانطور که معصیت مولی را قبیح و زشت دانسته، جلوگیری از معصیت مولی را هم ضرورت دانسته است. حضرت امام که به این شکل به وجوب عقلی قائل گردیده است در توضیح استدلال مذکور بیان می‌دارد که: یکی از احکام مستقل عقل آن بوده که بایستی از معصیت نسبت به مولی و تخلف از فرامین ایشان ممانعت نمود (موسوی خمینی، ۱۴۲۰: ۷۸).

از دیدگاه عقل تفاوتی در روش‌های متعدد ممانعت یا جلوگیری از معصیت نظیر نهی لسانی و یا اقدامات عملی که امکان دارد وجود نداشته است. البته همگان پذیرفته‌اند که چنانچه عملی به شکل کلی مبعوض باشد چه از مکلفی صادر گردد چه غیر مکلفی به آن اقدام ورزد، بایستی جلوی آن را گرفت. از طرفی چنانچه انسان مکلفی مبادرت به

عمل زشتی نماید، بایستی مانع از آن گردید و در هر دو مورد یک معیار موجود است: وقوع عملی که مورد بغض و نفرت می باشد (میر احمدی و جدی، ۱۳۹۹: ۴).

بنابراین چنانچه حیوانی چیزی را بر روی زمین بریزد که به مصلحت نبوده و انسان شاهد چنین امری باشد، وظیفه ممانعت دارد و بی تفاوتی او قبیح بوده و این چنین شخصی قابل مواخذه به شمار می آید. چرا که در مقابل وقوع مبعوض، با هر رتبه و درجه ای از اهمیت، عملی را به انجام نرسانده باشد چنانچه این فرد ناظر معصیت شخص مکلفی باشد و برای ممانعت از آن اقدامی نورزد از دیدگاه عقل، محکوم به شمار می آید و به همین معیار قابل مواخذه می باشد (موسوی خمینی، ۱۴۱۵: ۲۲۳).

۲-۱-۳ مصلحت جامعه

استدلال عقلی دیگر بر دیدگاه اجتماعی بر زندگی انسان استوار می باشد. چرا که بشر واجد زندگی اجتماعی است و در طی کردن مسیر زندگی به هیچ عنوان قادر نیست به صورت فردی نیازهایش را مرتفع و تامین سازد و از همکاری سایر افراد بی نیاز باشد. بنابراین در جامعه تحت تاثیر اندیشه و اخلاق و رفتار سایرین قرار داشته و عقل حکم می نماید که برای حفظ کیان جامعه از فساد و تباهی، بایستی با منکرات برخورد گردد (راعی، ۱۳۹۹: ۸۹).

هیچ کدام از اشخاص، زندگی جداگانه از سایر افراد ندارند. انسان مدنی بالطبع بوده و از کلیه افکار، عقاید و رفتار همدیگر تاثیر می پذیرند. انحراف یک شخص نه تنها خود ایشان را ساقط می نماید که بر محیط اجتماعی هم اثر سو گذاشته و جامعه را به سمت فساد می کشاند. بنابراین عقل فرمان داده تا تمامی اشخاص با نظارت فراگیر خود، جامعه را حفظ نمایند (ساعد وکیل و عسگری، ۱۳۹۳: ۴۵). شرع مقدس هم این وظیفه حائز اهمیت را واجب در نظر گرفته است.

همان طور که امراض جسمانی واگیردار بایستی با ممانعت از سرایت بیماری سلامت جامعه را حفظ نموده در خصوص بیماری های روحی و اخلاقی هم مسئولیت مذکور موجود بوده و هر نوع سهل انگاری در برخورد با آن به سقوط جامعه و فراگیر شدن فساد در آن خواهد انجام انجامید (منتظری نجف آبادی، ۱۴۰۸: ۲۱۳). امر و نهی ناظر به صیانت جامعه و طرقی در راستای سالم سازی محیط اجتماعی می باشد.

همانطور که شهید بهشتی بیان می دارد: حساب امر به معروف و نهی از منکر حساب محیط سازی بوده و محیط سالم و درست استعداد های خیر نهفته در بشر و ایجاد موضوع بهداشت محیط اجتماعی می باشد (بهشتی، ۱۳۹۹: ۱۵۶). به تعبیر شهید مطهری امر به معروف و نهی از منکر ایجاد نوعی تعهد و مسئولیت اجتماعی در اشخاص نسبت به

سرنوشت اجتماع می باشد (مطهری، ۱۳۹۸: ۲۴۷).

۱-۲- ضرورت عقلی امر به معروف و نهی از منکر در اصلاحات اجتماعی

به نظر می آید علل ذیل توجیه کننده وجود سازمانی است که سلسله ساختار پیشنهادی و شرح وظایف آن مورد بررسی قرار می گیرد:

- دستور قرآن مجید به مومنین برای تعاون بر نیکی و تقوا: ((الْيَوْمَ أَحْلَلْ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ ۖ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ ۖ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ ۗ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (مائده/۵): امروز همه پاکیزه ها [ای از رزق خدا] برای شما حلال شد، و طعام اهل کتاب [که مخلوط با مواد حرام و نجس نیست] بر شما حلال و طعام شما هم بر آنان حلال است. و زنان پاکدامن مؤمن، و زنان پاکدامن از اهل کتاب [از طریق ازدواج شرعی] در صورتی که مهریه آنان را بپردازید بر شما حلال است، در حالی که مایل باشید پاکدامن بمانید نه زناکار، و نه انتخاب کننده معشوقه نامشروع در خلوت و پنهان. و هر کس در ایمان [به خدا و پیامبران و قیامت] کفر ورزد، قطعاً عملش تباه شده و فقط او در آخرت از زیانکاران است)).

این دستور نشانگر اصلی بوده که می توان از آن به اصل تعاون در دین مبین اسلام نام برد. این اصل به نوعی می تواند توجیه کننده امر به معروف و نهی از منکر به شکل متشکل و منضبط و با تقسیم کار شایسته باشد. سوره آل عمران آیه ۳ به مومنین برای دعوت به خیر آمده است: وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ۚ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ: و باید از شما گروهی باشند که [همه مردم را] به سوی خیر [اتحاد، اتفاق، الفت، برادری، مواسات و درستی] دعوت نمایند، و به کار شایسته و پسندیده وادارند، و از کار ناپسند و زشت بازدارند؛ و اینانند که یقیناً رستگارند.

این آیه را می توان پایه و اساس نهادینه نمودن امر به معروف از منکر در نظر گرفت (رضایی راد، ۱۳۹۴: ۷۸). امری که به حرکتی تشکیلاتی و برنامه ریزی شده در جهت اجرای معروف و ریشه کن ساختن منکر در جامعه نیاز دارد. جمعی از فقیهان و مفسرین در قیاس آیه مذکور با بعضی از آیه های دیگر که امر به معروف را وظیفه عموم مردم می دانند، مانند آیه ۱۱۰ سوره مبارکه آل عمران که بیان میدارد: شما بهترین امتی بوده اید که برای مردم پدیدار شده اید به کار پسندیده فرمان داده و از کار زشت باز می دارید (طباطبایی، ۱۴۱۴: ۸۹).

از آیات سوره عصر: ((والعصر. ان الانسان لفي خسر الا الذين آمنوا وعملوا الصالحات و تواصلوا بالحق و تواصلوا بالصبر))

استفاده نمودند که امر به معروف و نهی از منکر دارای دو مرحله است:

- مرحله فردی که هر شخصی وظیفه دارد به تنهایی ناظر اعمال سایرین باشد.

- مرحله دسته جمعی که وظیفه دارند برای اتمام به ناسامنی و هرج و مرج های اجتماع به هم کمک کنند و با همدیگر تشریک مساعی نمایند (هاشمی، ۱۳۹۵: ۶۷).

بخش نخست وظیفه مردم بوده و به دلیل آنکه بعد فردی در برداشته قاعدتاً دایره آن محدود به توانایی شخص است. لیکن بخش بعدی آن شکل واجب کفایی دارد و به دلیل اینکه بعد دسته جمعی دارد و شعاع قدرت آن وسیع

می باشد، قاعدتاً از شئون حکومت اسلامی به شمار می آید. این دو صورت از مقابله یا مبارزه با فساد و دعوت به سمت حق از شاهکارهای قانون و مقررات اسلامی در نظر گرفته شده و موضوع تقسیم کار را در سازمان حکومت اسلامی و ضرورت تشکیل یک گروه نظارت بر وضع اجتماعی و سازمان های حکومت معین می نماید (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴: ۳۹). درخواست و یا مطالبه قرآن مجید از صاحبین قدرت با این تعبیر که: ((الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ: همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم نماز برپا می دارند و زکات می دهند و به کارهای پسندیده وای دارند و از کارهای ناپسند باز می دارند و فرجام همه کارها از آن خداست (سوره مبارکه حج آیه ۴۱)). این آیه تأکیدی بوده بر ضرورت اقدام دولتمردان مسلمان در راستای اقامه مقتدرانه و سازماندهی شده امر به معروف و نهی از منکر (رضایی راد، ۱۳۹۸: ۸۹).

اساس و پایه حقوقی برای نهادمند ساختن امر به معروف و همچنین تاسیس یک نهاد سیاستگذار در این خصوص را به درستی می توان از اصل ۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با در نظر گرفتن نگرش کامل و جامع آن به دست آورد. بالاخص با در نظر گرفتن آنکه اصل ۸ الهام گرفته از آیاتی بوده که در بندهای مذکور مورد اشاره واقع شده و در آنها دستور به اقدام سازماندهی شده مد نظر می باشد (هاشمی، ۱۳۹۵: ۸۹). بخش عمده ای از ضمانت اجرای اقدامات مردمی و تشکل های غیردولتی به وجود سازمانی نیاز دارند که از اقدامات مزبور حمایت لازم را به عمل بیاورد.

بنابراین چنانچه هدف از امر به معروف و نهی از منکر ترویج دادن فضیلت ها و ممانعت از منکرات و تجاوزها به حدود شرعی بوده، ایجاد سازمانی که تنها نگرانی آن، این مسئله بوده است تضمین بیشتری را در رسیدن به هدف فوق به وجود می آورد. این واجب چنانچه وظیفه ای فردی در نظر گرفته شود به علت ماهیت سیاسی و اجتماعی آن بدون حمایت و نظارت درست نهادهای حکومتی هیچ اقدامی انجام نمی گیرد و محکوم به شکست می باشد (رضایی راد، ۱۳۹۴: ۲۳۴).

آگاهی و حتی تاثیرپذیری نسبت به ارزش و ضد ارزش ها در کشورهای امروزی از مسیرهای گوناگونی حاصل می شود. بعضی از آنها عبارت می باشند از: نهاد خانواده - دوستان و اشخاص مربوط به هم - نظم آموزش و پرورش - صدا و سیما و رسانه های نوشتاری و شنیداری و دیداری - گروه های مرجعی همچون روحانیون و استادان و هنرمندان و ورزشکاران. اگر که این مجموعه ها همگرایی لازم و ضروری را در راستای تشخیص و مشخص کردن موارد بد و خوب - اولویت بندی بین آنها - نوع آگاه بخشی و همانند آن نداشته باشند، نتایج نامطلوبی به دست می آید (رضایی راد، ۱۳۹۴: ۷۸).

لذا این حقیقت لزوم سازماندهی و برنامه ریزی در یکی از ساحت های حائز اهمیت اجتماعی را که به فرهنگ عمومی و تعلیم و تربیت ارتباط دارد نشان داده و این سازماندهی جز با وجود سازمانی قانونی با سازوکاری مورد تعریف قرار گرفته، ناممکن به نظر می آید. در جهان امروز و با در نظر گرفتن پیچیدگی و گستردگی موضوعات سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی و تنوع بالای ابزار و امکاناتی که کاربردهای دوگانه درست و نادرست آنها در همه جا قابل ملاحظه می باشد، اقدامات فردی و غیر سازمان یافته هرچند در جای خود لازم هستند، اما سهم بسیار ناچیزی در محقق شدن هدف های بلندی که شرع در پرتو امر و نهی دنبال می نماید، به خود اختصاص داده اند (رضایی راد، ۱۳۹۵: ۴۵).

به موازات گستردگی و پیچیدگی و نیز تنوع ابزارهایی که در حال حاضر کلیه ارزش های بشری و الهی را هدف گرفته ضرورت دارد تا مبارزه با آنها با اندکی دقت انجام پذیرد. این مسئله لزوم وجود سازمان و یا نهاد هماهنگ کننده را محرز می سازد. اقدامات فردی - جمعی مردمی در خصوص امر به معروف و نهی از منکر از یک طرف، و وجود سازمان، نهاد و وزارتخانه های بسیار زیادی که اکثر وظایف آنها در جهت دعوت به خوبی و خیر و اجرای این دو فریضه مهم دینی هستند مانند قوه قضاییه و مقننه - نیروی انتظامی .. وزارتخانه هایی مانند آموزش و پرورش و فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان هایی نظیر صدا و سیما و سازمان تبلیغات اسلامی از طرفی دیگر لزوم هماهنگی بین این چنین اقداماتی را کاملاً آشکار می نماید (رضایی راد، ۱۳۹۵: ۸۹).

جنبه های متعدد امر به معروف و نهی از منکر ناگزیر بایستی سازمان و یا نهادی خاص بیرون از دولت، مسئولیت کلان امر به معروف و نهی از منکر را به عهده بگیرد و با سیاست گذاری و سازماندهی و برنامه ریزی و حتی هدایتگری های شایسته، امر نظارت را بر کلیه فعالیت های مردمی و دولتی داشته باشد.

در چنین شرایطی جایگاه این دو فریضه در کشور ارتقا پیدا کرده و این وظیفه شرعی و قانونی نهادینه شده و امکان ارزیابی کارنامه مردم و دولت در خصوص امر به معروف مهیا می گردد.

۲-۲ مبانی نقلی

در ادامه به بررسی ولایت مومنان بر یکدیگر، مسئولیت اجتماعی انسان و در آخر اهمیت امر به معروف و نهی از منکر از نظر منابع دینی پرداخته می شود.

۲-۲-۱ ولایت مومنان بر یکدیگر

امر به معروف و نهی از منکر از اصلی ترین فرایض و واجبات اسلامی به شمار می آید و در خصوص عظمت شأن این دو فریضه حائز اهمیت تعبیری کامل تر از آنچه در قرآن و از جانب اهل بیت وحی و عصمت آورده شده وجود ندارد همانگونه که آیات و روایات بسیاری در راستای بررسی اهمیت و جایگاه والای این دو فریضه وارد گردیده است (محصل، ۱۳۹۱: ۱۸۰). نوع و یا شکل خاص مسئولیت اجتماعی که دین مبین اسلام آن را مورد قبول قرار داده و بر حفظ آن اصرار کرده است بر اساس ولایت مومنان نسبت به هم می باشد.

ولایت مذکور به حد و اندازه ای بوده که کلیه مسلمانان را صرف نظر از منصب و شرایط و موقعیت خود تحت پوشش قرار است به نحوی که نوعی حق و تکلیف متقابل را نسبت به همه اشخاص در اجتماع به رسمیت شناخته است. ولایت فوق الذکر مستقل از سایر ولایتهایی می باشد که در شریعت اسلام مورد قبول واقع شده است. مانند ولایت پدر نسبت به فرزند - ولایت امام نسبت به مردم و همانند آن، البته متمایز بودن ولایت مورد بحث به معنای آن نبود که به هیچ وجه ارتباطی با سایر ولایتها نداشته است.

آنگاه که در مقام عمل، این ولایت با ولایت امام یا حاکم تعارض یابد، ولایت امام برتری به خود می گیرد اگرچه در این چنین فرضی دیگر محلی برای ولایت اول وجود ندارد (فیاض، ۱۴۲۶: ۸۹). در هر صورت مهم ترین مبنا و اساس این دو فریضه یعنی امر به معروف و نهی از منکر نوع ولایت خاصی بوده که شریعت اسلام میان اشخاص در اجتماع به رسمیت شناخته است.

تایید کننده این مسئله این می باشد که درباره متونی که فریضه دینی را مطرح می سازند در وهله نخست از ولایت مومنان بحث به میان می آید و بعد امر به معروف و نهی از منکر متفرع بر آن آورده شده است. در قرآن مجید سوره مبارکه توبه آیه ۷۱ امر به معروف و نهی از منکر را برای مومنان بیان نموده است (راوندی، ۱۴۰۵: ۷۷).

بنابراین این امر به معروف و نهی از منکر نشأت گرفته از علاقه ایمانی بوده و به این علت این دو جمله ی ((یا مرون بالمعروف وینهون عن المنکر)) بی فاصله و به دنبال ولای ایمانی مسلمین بیان شده است (مطهری، ۱۳۹۱: ۲۷۰). از

طرفی در سوره مبارکه توبه آیات ۱۱۱ و ۱۱۲ قیام امر معروف و نهی از منکر را از ویژگی های ضروری مومنان در نظر گرفته و با در نظر گرفتن آنکه این موضوع از شئون ولایت مومنان نسبت به همدیگر می باشد (نوری همدانی، ۱۳۷۷: ۹۸).

۲-۲-۲ مسئولیت اجتماعی انسان

از نظر دین مبین اسلام سرنوشت انسان ها با هم گره خورده می باشد و جوامعی موجود هستند که در آن بشر هرچند خود امور نیک را به انجام می رساند لیکن به امور و اعمال زشت و قبیح سایر افراد بی اعتنا بوده و این مورد موجب عذاب الهی برای آنها می شود. به اصطلاح خشک و تر را با هم می سوزاند. در متون اسلامی اخبار و روایات بسیار زیادی مبنی بر آنکه بشر پیامدهای اعمال بد و سوء سایر افراد را متحمل می گردد، وجود داشته است. چرا که آنها با سکوت خود رفتار بد آنها را تایید می سازند (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۳: ۶۷). رسول گرامی اسلام صلوات العلی و آله و سلم انسان ها یک جامعه را به مسافری یک کشتی تعبیر می سازد که سلامت تمامی آنان در گرو سلامت کشتی بوده و هیچ احدی نمی تواند نسبت به سلامت و ایمنی کشتی بی تفاوت باشد (بخاری، ۱۴۱۴: ۶۶۷).

یکی از اصحاب پیامبر به نام سعد بن اشجع با استنباط نادرستی از اسلام گمان می نمود رشد و هدایت بشر در گریز از اجتماع و مسئولیت اجتماعی می باشد. ایشان در برابر رسول گرامی اسلام و جمعی از صحابه او ایستاد و پروردگار و رسولش را گواهی گرفت که عزت و شب زنده داری پیشه کند. حضرت به او فرمودند: کاری انجام نداده ای وقتی با مردم آمیزش نداری به چه نحوی امر به معروف و نهی از منکر می کنی؟ (نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ۲۶۷).

از امام صادق علیه السلام نقل گردیده که حضرت علی علیه السلام فرمودند خداوند عموم مردم را به گناه خصوصی که اشخاصی در پنهانی انجام می دهند عذاب نمی نماید اما چنانچه آنها آشکارا به گناه بپردازند و سایر افراد او را نهی ننمایند، هر دو گروه شایسته عذاب الهی هستند (عاملی، ۱۴۰۹: ۱۵۷). امام صادق علیه السلام فرمودند: هر قومی که در میانشان بدی ها آشکار گردد و آنها از آن نهی ننمایند، ترس آن می رود که عذاب الهی تمامی این افراد را فرا بگیرد (عاملی، ۱۴۰۹: ۱۷۲). از این رو از نظر شریعت اسلام، یکی از مبانی حائز اهمیت فریضه امر به معروف و نهی از منکر مسئولیت بشر در مقابل اعمال هم آورده شده و جامعه ای که این چنین فرایندی را قبول نکند، یک مجموعه بی قاعده و تدبیر است که در نهایت به هلاکت می رسد.

۲-۲-۳ اهمیت امر به معروف و نهی از منکر از نظر منابع دینی

امر به معروف و نهی از منکر تحت عنوان دو اصل اصلاح جویی و مبارزه دائم با فساد، شالوده مهم تربیت اسلام به

شمار می آید که اشخاص را به مشارکت اجتماعی، نظارت و کنترل اجتماعی ملزم می سازد (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۸). در قرآن مجید آیه های بسیار زیادی موجود بوده که دلالت بر این دو فریضه مهم دارند. بعضی از آیات فوق صراحتاً به شکل آمرانه و تعدادی به شکل غیر مستقیم و ارشاد گرایانه به روایات امر به معروف و نهی از منکر پرداخته که در ادامه به آنها اشاره می گردد:

- سوره مبارکه آل عمران آیه ۱۰۴: ((وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ: و باید از میان شما گروهی [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگارانند)).

- سوره مبارکه اعراف آیه ۱۵۹: ((وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ: و از میان قوم موسی جماعتی هستند که به حق راهنمایی می کنند و به حق داوری می نمایند)).

- سوره توبه آیه ۷۱: ((وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ: و مردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده و می دارند و از کارهای ناپسند باز می دارند و نماز را بر پا می کنند و زکات می دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می برند آنانند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد که خدا توانا و حکیم است)).

بسیاری از اندیشمندان اسلامی این دو فریضه را در سه حوزه عام مورد بررسی قرار داده اند:

الف) امر به معروف و نهی از منکر در حق الله. نظیر تشویق اشخاص به انجام تکالیف دینی از جمله نماز و روزه و حج.

ب) امر به معروف و نهی از منکر در ارتباطات اجتماعی عامه مردم نظیر تشویق اشخاص و رعایت اخلاق اسلامی و دوری از اموری که موجب ارتباطات ناسالم اجتماعی می گردد.

ج) امر به معروف و نهی از منکر در ارتباط با مردم و حکومت. مانند نصیحت و نقد خیرخواهانه حکومت دینی و تشویق کارگزاران به تشویق عدالت اجتماعی و ممانعت از برخوردها و رفتارهای نامناسب. حوزه امر به معروف در تمامی جنبه های زندگی بشر چه ارتباط او با پروردگار و چه ارتباط مردم با همدیگر و ارتباط مردم با حکومت در جریان است (خان بابایی، ۱۳۹۸: ۱۷).

۳- مصادیق نظارت در خصوص امر به معروف و نهی از منکر

به بررسی نظارت حکومت بر مردم پرداخته می شود.

۳-۱ نظارت حکومت بر مردم

حکومت که زمامدار و مجری اعمال حاکمیت و مسئول مستقیم حفظ و تامین منافع ملت می باشد در اجرای این دو فریضه نقش مهمی ایفا می کند. اجرای اصل امر به معروف و نهی از منکر به واسطه نظارت زمامداری بر امور عمومی و اجتماعی شرایط جامعه را بهبود بخشیده و از اشاعه منکرات به طرز چشمگیری می کاهد (هاشمی، ۱۳۹۷: ۱۱۸). حاکمیت نظام سیاسی اسلام اقتضا داشته که اسلام شامل نظامی در راستای حکومت بوده که از سوی پروردگار مقرر شده و قرآن و سنت قوانین آن را مطرح نموده است.

لذا، سپردن داوری و حکومت به آن و پذیرفتن آن مرز بین کفر و ایمان و این هم به علت اثر مستقیم این باور اسلامی می باشد که پروردگار متعال مالک بلامنازع گیتی بوده و صاحب قدرت برتری که بر آن هیچ قدرت دیگری امکان محقق شدن و برتری ندارد (غنوشی، ۱۴۰۰: ۱۴۳) و حکومت اسلامی به همان حد و اندازه حق فرمانبرداری بر مردم را داشته که متعهد شدن و پایبندی به شریعت و تصمیم در مقابل آن را نشان داده و اوامر و نواهی آن موافق شرع و حداقل بدون برخورد و تعارض با آن می باشد (غنوشی، ۱۴۰۰: ۱۲۸).

این وظیفه مهم شرعی به قرار ذیل به واسطه حکومت اسلامی انجام می گیرد:

- امر به معروف و نهی از منکر به واسطه والی حکومت اسلامی و یا رهبر مسلمین
- امر به معروف و نهی از منکر به واسطه سیاست گذاری و تدوین نمودن انتظامات عمومی
- امر به معروف و نهی از منکر به واسطه دو قوه مجریه و قضاییه

۳-۲ نظارت رهبری

تاسیس نهاد رهبری در جامعه به آن معنا بوده که مجاری امور در اختیار فقیه واجد شرایطی واقع شد که با تشخیص حلال و حرام، ضامن عدم انحراف سازمان های متعدد از تکالیف مهم اسلامی خود باشند (خسروی، ۱۳۹۹: ۷۸). به این علت بوده که قوای حاکم یعنی مقننه و قضاییه و مجریه تحت نظارت ولایت امر واقع می شود تا بر مبنای

قانون اساسی از سلامت رفتار حاکم و کارگزاران مراقبت و پاسداری کند.

مشخص کردن فقههای شورای نگهبان و امضای حکم ریاست جمهوری و نصب و عزل قوه قضاییه و رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی و دیگر مصادیق از جانب مقام معظم رهبری زمینه و بستر محقق شدن نظارت مستمر و همیشگی و همه جانبه مقام مذکور را مهیا می سازد. نظارت قانونی فوق را به نوعی می توان جلوه بسیار آشکاری از دو فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر در نظر گرفت که در آن رهبر معظم انقلاب خود به شخصه و یا به واسطه نمایندگان، تمامی نهاد و دستگاه ها را به اجرای حقوق پروردگار و مردم موظف می کند (هاشمی، ۱۳۹۳: ۷۸). مضاف بر مطالبی که عنوان گردید مقام معظم رهبری تحت عنوان یک شخصیت روحانی از مقام خود بهره گرفته و بدین واسطه مردم و دولت را در امور سیاسی و اجتماعی دعوت به خیر می کند.

در این رابطه حضرت علی علیه السلام موعظه را تکلیف زمامدار و حق مردم دانسته و در خطبه ای فرمودند: ای مردم شما بر من حقی دارید و آن حق نصیحت نمودن و تشویق و ترغیب شما به اخلاق نیکو و کردار و رفتار شایسته و آموزش کتاب و سنت بوده که نادان نمائید و تربیت کردن شما و آداب شرعی می باشد تا از آن بیاموزید. از این رو در تئوری سیاسی دین مبین اسلام در اصل حاکمیت مطلق بر جهان و بشر، از آن پروردگار بوده و جز خداوند هیچ احدی بر اشخاص حق حاکمیت و ولایت ندارد و به دلیل آنکه انسان مخلوق پروردگار متعال بوده بنابراین تحت حمایت و راهنمایی و ولایت او قرار گرفته است (نوری، ۱۳۹۸: ۵۶).

لذا با در گرفتن اختصاص ولایت، هدایت و نصیحت و امر به معروف و نهی از منکر و حاکمیت مطلق بر جهان و انسان به پروردگار، اجرایی و عملی شدن این چنین ولایت و حاکمیتی در جهان و بر انسان ها به واسطه انبیای الهی و پس از آنها از راه امامین معصوم انجام می پذیرد (خسروی، ۱۳۹۹: ۶۷). و در دوران غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه به فقهایی که نزدیک ترین ویژگی ها و قرابت با انبیاء الهی و امامین معصوم را داشته، می رسد. این احکام اسلامی به واسطه اجتهاد مستمر فقیهان جامع الشرائع بر مبنای کتاب و سنت بعد عملی یافته و راهنما و دستور در تمامی اندام های تقنینی و قضایی و اجرایی کشور می شود (هاشمی، ۱۳۹۴: ۸۹).

بر مبنای مطالبی که عنوان شد معین گردید که ولایت فقیه و حاکمیت فقهی منصبی الهی بوده و هرچند در حدود این اختیارات، حاکمیت میان فقیهان اختلافاتی وجود داشته اما به هر شکل در مبنای آن اکثر قریب به اتفاق با هم متفق القول هستند (نجفی اسفاد و محسنی، ۱۳۹۸: ۴۵).

ضرورت دارد تا فقیهان اجتماعاً و یا انفراداً در راستای حدود و حفظ و ثغور نظام حکومت شرعی ایجاد کنند. این مسئله چنانچه برای فردی امکان داشته باشد واجب عینی به شمار می آید، در غیر این صورت از نوع واجب کفایی

می باشد. و چنانچه امکان پذیر نباشد، ولایت ساقط نشده چرا که از سوی پروردگار منصوب هستند (موسوی خمینی، ۱۳۷۶: ۳۷۸).

۳-۳ نظارت از طریق قوه قانون گذاری

فضائل و مفاسد موجود در هر جامعه پیش از این که نشات گرفته از رفتار، اعمال و ویژگیهای فردی باشد، معلول شرایط و زمینه های موجود در جامعه به شمار می آید. اکثر اشخاص نیکو سرشت قربانی محیط آلوده ای می باشند که در آن زندگی می نمایند و در معرض فساد تباهی واقع می شوند و به تبهکاری و ارتکاب منکر کشانده می شوند (ایمانی و قطمیری، ۱۳۹۸: ۸۹).

به توضیحی دقیق تر باید بیان نمود که منکرات فردی در مجموع معلول نابسامانی های اجتماعی به شمار می آید. چاره ی کار در این خصوص، اتخاذ تدابیر کلی و نوعی در راستای مبارزه با ریشه های فساد است (هاشمی، ۱۳۹۴: ۸۸). در برخی مواقع منکرات در سطح بسیار وسیعی که جز با حرکت دولت و تدوین و طراحی برنامه ها و سیاست گذاری های کلان و امکان نهی از آن میسر نمی باشد.

بدین صورت در راستای اجرای احکام اسلام بایستی حکومت اسلامی موجود باشد و در غیر این صورت اکثر احکام که به قدرت اجرایی نیاز داشته بلا اجرا می مانند (قراحتی، ۱۳۹۰: ۶۷). بنابراین تکالیف و وظایف حکومت در این دو فریضه ویژه به چندین نمونه صورت نمی گیرد.

حکومت این وظیفه را داشته تا معروف هایی سیاسی و اجتماعی را احیا و از منکرات اقتصادی و اجتماعی ممانعت ورزد. تمامی موارد ذیل نمونه هایی از تکالیف حکومت در اجرای امر به معروف و نهی از منکر به واسطه تدوین سیاست گذاری ها می باشد:

- کنترل نرخ و ممانعت از بی نظمی و هرج و مرج بازار

- ممانعت از واسطه های کاذب که وسیله، ابزار افزایش (گران شدن) جنس می باشند.

- نظارت بر قراردادها و ممانعت از سو استفاده هایی که در تنظیم اسناد می گردد.

- دقت در توزیع منصفانه - حفظ بیت المال - شناخت امین ترین اشخاص در راستای محول نمودن بیت المال به این افراد

- به کارگیری بهینه از منابع طبیعی

- به وجود آوردن شغل و یا حرفه مفید برای افراد بیکار و آموزش دادن کارگران ساده برای بهتر نتیجه گرفتن از منابع طبیعی و فنی چرا که اشتغال بزرگترین معروف و بیکاری زمینه انواع منکرات به شمار می آید (قرائتی، ۱۳۹۰: ۵۰).

بند نخست اصل ۳ قانون اساسی نمونه آشکار تکلیف قانونی دولت در اجرای امر به معروف و نهی از منکر بوده که دولت را مکلف به ایجاد محیطی مناسب در راستای رشد فضایل اخلاقی بر مبنای ایمان و تقوا مبارزه با تمامی مظاهر فساد و تباهی کرده است (ساعد وکیل و عسگری، ۱۳۹۳: ۸۸).

بدین ترتیب برنامه ریزی و سیاست گذاری دولت با وضع قانون و مقررات کلی و نوعی بایستی به شکلی باشد که در وهله نخست هدف های فوق در اصل ۳ را تامین سازد و در وهله دوم با تدوین ضمانت اجرایی مناسب اجرای هدف ها را تضمین کند و با خاطیان و متخلفین مجری همین اصول برخورد و مبارزه کند (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۹۱: ۷۰). لذا مهمترین قانون و مقررات و سیاست هایی که به نوعی می تواند به ایجاد یک جامعه سالم منتج گردد به عنوان های زیر می توان مورد اشاره واقع شود:

- قانون و مقررات و سیاست های عدالت اجتماعی همچون حذف واقعی ربا - محو بازار فساد - تنظیم ثروت عامه - تامین همگانی و کار و پیشه.

- آسان سازی مقدمات و هدایت جوان ها در راستای ایجاد خانواده

- اصلاح نظام اداری و مقابله و مبارزه با فساد اداری

- مشارکت دادن عموم مردم در تمامی امور سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و به کار گرفتن استعداد های جامعه

- تدوین و طراحی و پیگیری اقتصاد سالم و منصفانه در راستای ایجاد رفاه و برطرف کردن محرومیت و تبعیضات ناروا (هاشمی، ۱۳۹۴: ۴۸).

۳-۴ نظارت از طریق قوه مجریه

قسمتی از موفقیت قانون در دسترسی به هدف های خود به مجریان و کیفیت اجرای آن مرتبط می باشد. قانون هر اندازه جامع تر وضع شده باشد در نوع اجرا به نوعی می تواند ماهیتش را نشان بدهد. اهمیت و حتی ارزش قوه مجریه در حکومت و جامعه به آن حد بوده که بدون آن حقیقت حکومت و محقق شدن عینی آن قابل شک و تردید بوده و حاکمیت بیشتر در قالب قوه مجریه تجلی می یابد و بدین واسطه است عملکرد قوه مجریه شاخص عدالت خواهی و آزادی و دموکراسی تلقی می گردد (عمید زنجانی، ۱۳۹۸: ۶۷).

در این خصوص با در نظر گرفتن عمومیت این دو فریضه بر کلیه امور و شئون اجتماعی و فردی، دولت در راستای حفظ سلامت جامعه به واسطه نظارتی عدیده‌ای استفاده می‌نماید. نظارت مستمر دولت برای چنین امری بوده که امور بر مبنای قانون و مقررات به انجام برسد. به این شکل می‌توان مهمترین نظارت‌های مختلف دولت را در مصادیق زیر بیان نمود:

- نظارت از نوع انتظامی:

نیروهای انتظامی با استقرار در سطح جامعه رفتارهای اجتماعی را زیر نظر داشته تا بدین واسطه از تعرض و مزاحمت و صدمه‌های مادی و معنوی و اخلاقی و تجاهر به خلاف شرع و عفت عمومی ممانعت گردد و در نهایت امنیت و آسایش عمومی مهیا شود.

- نظارت از نوع اقتصادی:

تعدادی از نهاد و دستگاه‌های دولت به واسطه راهکارهای متعدد مکلف به مراقبت در امور اقتصادی جامعه بوده و به واسطه کنترل استانداردها و قیمت‌ها امنیت و سلامت اقتصادی جامعه را تامین می‌سازند.

- نظارت از نوع بهداشتی:

حفظ بهداشت فردی و اجتماعی یکی از تکالیف حائز اهمیت دولت به شمار می‌آید که به واسطه‌ی نظارت بر اماکن عمومی و مواد غذایی و محیط زیست و همانند آن قابل تامین است.

در کلیه مراتب و مصادیق سه گانه فوق، نظارت بایستی با کمال بی‌طرفی بر مبنای قوانین و با رعایت کامل حقوق همه جانبه اشخاص انجام پذیرد. کاملاً آشکار بوده که اگر مامورین دولتی در طول انجام دادن وظیفه به حقوق اشخاص تجاوز کنند و آزادی مشروع و قانونی آنان را سلب نمایند، بر اساس قانون، مشمول پیگرد قانونی و مستوجب مجازات می‌باشند (دوست محمدی، ۱۳۹۹: ۱۸).

۳-۵ نظارت از طریق قوه قضاییه

در یک نظام دموکراتیک و مترقی و حکومتی که در آن محور اصلی و مهم آزادی، امنیت و حق و عدالت بوده و فقط قدرت قانون متکی بر اعتقاد و خواست عموم مردم می‌باشد، قوه قضاییه تحت عنوان نیروی بازدارنده در مقابل تخلف و تجاوز از مرز حق و قانون از ارزش و اهمیت بسیار زیادی برخوردار بوده و در هر جامعه و حکومتی که به موضوع حق - عدالت - آزادی و امنیت بیشتر اهمیت داده شود، قوه قضاییه دارای ارزش و اعتبار بیشتری می‌گردد.

بررسی هدفها و مسئولیت های قوه قضاییه حاکی از آن است که این واقعیت غیر قابل انکار بوده که موقعیت قوه مقننه در قانونگذاری و قوه مجریه در اجرای درست قوانین و مصوبات بدون نقش قوه قضاییه امکان پذیر نبوده تا آنجایی که بیان می گردد بهترین حکومت ها، حکومت قوه قضاییه عادل و مستقل و بی طرفی می باشد (عمید زنجانی، ۱۳۹۴: ۳۵۵).

تا بدین وسیله با به کارگیری وسایل ابزار و امکانات لازم و ضروری افراد متجاوز و خاطی به قانون را شناخت و به مجازات رساند و ضمن تسلی خاطر زیان دیدگان زمینه و بستر را جهت اجرای قانون و مقررات تامین کننده امنیت و آزادی مهیا کرد (هاشمی، ۱۳۹۴: ۲۷۴). بدین وسیله وظیفه حائز اهمیت قوه قضاییه و در جهت آن محاکم، حفظ حقوق عمومی و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی است که به واسطه رسیدگی و صادر کردن حکم مجازات بزهکار یا بزهکاران انجام می پذیرد.

بنابراین بعد از تذکر چنانچه ارتکاب منکرات ادامه پیدا کند به جهت صیانت جامعه و حفظ حقوق عمومی و خصوصی، تعقیب فرد مرتکب یک ضرورت اجتناب ناپذیر به شمار می آید. بدین ترتیب نهاد و یا دستگاه های قضایی هم در پاسخ دادخواهی متظلم یا متظلمان و هم راسا اقدام به تعقیب و رسیدگی و صادر کردن حکم مجازات بزهکاران می کنند و اقدامات مراجع قضایی در راستای محاکمه و مجازات بزهکار شیوه و طریق مقتضی و خاص را طلبیده تا به احتراز ارتکاب جرایم و تضمین سلامت جامعه منتج شود (شاکریان، ۱۳۹۹: ۱۱۷).

نتیجه گیری

فریضه امر به معروف و نهی از منکر که به صورت دینی است، تحت عنوان مهم ترین روش های مذکور تاثیر مهمی در ساماندهی هدف اصلاح و تحول در جامعه داشته است. کاملاً روشن بوده که شناسایی جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در آیات و روایات - شناسایی مراتب و طبقات آن و حتی آشنا شدن با شرایط اجرا و اصول و پیش شرط های حاکم بر این فریضه - و آشنایی با معروفات و منکرات در کلیه جنبه های دینی و اقتصادی و فرهنگی و اخلاقی و خانوادگی و سیاسی و حکومتی و همانند آن، ما را در دسترسی به هدف مذکور یاری می کند.

ریشه یابی منکرات و فساد در جامعه و بررسی آثار مخرب مفاسد در اجتماع از علل حائز اهمیت توفیق در اصلاح جامعه و امر به معروف و نهی از منکر است.

مبانی امر به معروف و نهی از منکر شامل مبانی عقلی و مبانی نقلی است. در خصوص مبانی عقلی میتوان به حفظ

نظام اجتماعی و جلوگیری از معصیت و مصلحت جامعه و ضرورت آن در اصلاحات اجتماعی اشاره کرد. مبانی نقلی نیز شامل ولایت مومنان بر یکدیگر و مسئولیت اجتماعی انسان ها و جایگاه آن در منابع دینی می باشد. مصادیق نظارت در خصوص امر به معروف و نهی از منکر نیز نظارت حکومت بر مردم و نظارت رهبری و نظارت از طریق قوه قضاییه و قوه مجریه و قوه قانونگذاری است.

منابع

- [۱] قرآن کریم
- [۲] اسکات، ریچارد، ۱۳۹۲، سازمان سیستم های عقلایی و طبیعی و باز، ترجمه: حسن میرزایی اهرنجانی، قم: یاران.
- [۳] اسلامی، حسن، ۱۴۰۲، امر به معروف و نهی از منکر، چاپ اول، تهران: کتاب همگان.
- [۴] آشوری، محمد، ۱۳۹۳، حقوق بشر و مفاهیم مساوات و انصاف عدالت، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- [۵] امامی، محمد، دهقان، فرشته، ۱۴۰۲، نظارت درونی سلسله مراتبی بر دستگاه های اداری در نظام حقوقی ایران، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، سال ۵، شماره ۳.
- [۶] بهشتی، محمد حسین، ۱۳۹۹، بایدها و نبایدها، تهران: بنیاد نشر آثار و اندیشه های شهید دکتر بهشتی.
- [۷] تیلا، پروانه، ۱۳۹۴، بسط امر به معروف و نهی از منکر برای مشارکت و همبستگی ملی: نقش و ابتکار بسیج، فصلنامه مطالعات بسیج، سال ۸، شماره ۲۶.
- [۸] جمشیدی، مسلم، غلام جمشیدی، محمد صادق، سیاح البرزی، هدایت، ۱۳۹۸، تحلیل نو و عملی از امر به معروف و نهی از منکر در انتظام اجتماعی، فصلنامه علمی و پژوهشی انتظام اجتماعی، سال اول، شماره ۴.
- [۹] جوان آراسته، حسین، ۱۴۰۰، قلمرو شرعی و قانونی امر به معروف و نهی از منکر حوزه مردم نسبت به یکدیگر، مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۸، شماره ۲۷.
- [۱۰] حسینی اجداد، سید اسماعیل، رخشنده نیا، سیده اکرم، ۱۴۰۱، امر به معروف و نهی از منکر در منظر دین و شرایط اقامه آن، پژوهش های میان رشته قرآن مجید، سال ۳، شماره ۲.
- [۱۱] خامنه ای، سید علی، ۱۴۲۰، اجوبه الاستفتاءات، بیروت: دارالاسلامیه.
- [۱۲] خطیبی کوشکی، محمد، ۱۳۹۸، مبانی عقلی امر به معروف و نهی از منکر، فصلنامه پیام تهران، شماره

۹۲.

[۱۳] دشتی، محمد، ۱۳۹۹، امام علی (ع) و نظارت مردمی، چاپ اول، قم: انتشارات موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین.

[۱۴] دهخدا، علی اکبر، ۱۳۸۵، لغت نامه دهخدا، چاپ اول، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

[۱۵] ذهبی، شمس الدین ابو عبدالله محمد بن احمد عثمان بن قایماز، ۱۹۹۳، تاریخ الاسلام، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمیری، چاپ دو، بیروت: دارالکتب العربی.

[۱۶] رضایی راد، عبدالحسین، ۱۳۹۶، امر به معروف و نهی از منکر در ترازوی تاریخ، چاپ اول، قم: موسسه بوستان کتاب قم.

[۱۷] رضائیان، علی، ۱۳۹۷، مبانی سازمان و مدیریت، چاپ اول، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها سمت.

[۱۸] سروش، محمد، ۱۳۹۶، امر به معروف و نهی از منکر، چاپ دوم، قم: ناشر زمزم.

[۱۹] صافی گلپایگانی، لطف الله، ۱۳۹۵، امر به معروف و نهی از منکر در اسلام، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

[۲۰] صالحی، شایسته، شهنه، منیژه، ۱۴۰۱، دیدگاه اعضای هیئت علمی در رابطه با نظارت اداری و بالینی در پاره ای از دانشگاه های علوم پزشکی کشور، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، شماره ۵.

[۲۱] صدر، سید محمد باقر، ۱۴۳۰، ماوراء الفقه، جلد اول، نجف: الاشرف دارالاضواء.

[۲۲] طریحی، فخرالدین، ۱۴۱۶، مجمع البحرين، چاپ ۳، تهران: کتابفروشی مرتضوی.

[۲۳] طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۶۵، تهذیب الاحکام، جلد ۶، چاپ اول، تهران: دارالکتب اسلامیه.

[۲۴] طیبی شبستری، سید احمد، ۱۳۹۰، امر به معروف و نهی از منکر در اسلام، تصحیح: حسن تهرانی، قم: موسسه انتشارات اسلامی.

[۲۵] عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، ۱۴۱۳، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، چاپ اول، جلد سوم، قم: موسسه المعارف الاسلامیه.

[۲۶] فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، ۱۳۹۸، النافع لیوم الحشر فی شرح باب الحادی عشر، تهران: کتابفروشی علامه.

[۲۷] قلی زاده، آذر، رجبی، طیبیه، ۱۴۰۲، نقش امر به معروف و نهی از منکر در بهبود سرمایه اجتماعی دانشجویان دختر، مطالعات فرهنگ و ارتباطات، سال ۴، شماره ۲۲.

[۲۸] کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۸، امر به معروف و نهی از منکر یا عامل انقلاب فرهنگی و یا سیاسی، جلد دوم،

تهران: نشر دادگستر.

[۲۹] کلینی، ابوجعفر، ۱۳۶۲، الکافی، چاپ دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

[۳۰] گائینی، ابوالفضل، نجاری، رضا، ۱۴۰۲، مدیریت منابع انسانی با رویکرد اسلام، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

[۳۱] محقق حلی، جعفر بن حسن نجم الدین، ۱۴۰۸، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، چاپ ۲، قم: موسسه اسماعیلیان.

[۳۲] محقق، محمد، ۱۳۹۵، نظارت همگانی، چاپ اول، قم: انتشارات کشف الغطاء.

[۳۳] مسعودی، محمد اسحاق، ۱۳۹۴، پژوهشی در امر معروف و نهی از منکر، چاپ اول، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.

[۳۴] مشیدی، جلیل، اصغری بایقوت، یوسف، ۱۴۰۱، امر معروف و نهی از منکر از منظر عرفانی، ادبیات عرفانی و اسطوره شناسی، سال ۸، شماره ۲۹.

[۳۵] مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۹۱، مشکلات مصباح، پیش نیازهای مدیریت اسلامی، قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمت الله علیه.

[۳۶] مطهری، مرتضی، ۱۳۹۱، عنصر امر به معروف و نهی از منکر در نهضت حسینی، چاپ اول، تهران: انتشارات حزب جمهوری اسلامی.

[۳۷] مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۹۴، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

[۳۸] منصوری، بهمن، ۱۳۹۰، امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام علی علیه السلام، فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۱۰.

[۳۹] موسوی خمینی، سید روح الله، ۱۴۲۵، تحریرالوسیله، قم: دارالعلم.

[۴۰] نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، ۱۴۰۴، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، چاپ هفت، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

[۴۱] نوری همدانی، حسین، ۱۳۹۷، امر به معروف و نهی از منکر، ترجمه: محمد مهدی اشتیاردی، چاپ ۷، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

[۴۲] هاشمی، سید محمد، ۱۳۹۸، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر.



هجدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - اسفند ۱۴۰۴ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

17 March 2026 - TBILISI GEORGIA

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir